

بی آنکه چون حضرت امیر رضی الله عنه بر خواجه طهر یافت این را  
 بسیاری گفته شده فرمود که آن شخص را بگوئید یکبار بگفتند این  
 حضرت امیر سوگند خورد که والله که من در روز محکوم و با من دروغ  
 نگفته اند دیگر بار و بر این گفتند در زیر جمل تن از گشتگان بافتند  
 بهمان صفت که حضرت امیر از رسول صلی الله علیه و سلم روایت کرده  
 بود **در آنجا** که رسول صلی الله علیه و سلم با امیر المؤمنین  
 رضی الله عنه گفته بود که ترا از سیران بنی حنیفه جاریه بدیت خواهد  
 آید چون بسرازی متولد شد او را محمد نام کن بگفتند پس عثمان  
 چون در زمان خلافت امیر المؤمنین ابو بکر رضی الله عنه فتح یمن کردند  
 از بنی حنیفه اسیران آوردند امیر المؤمنین ابو بکر رضی الله عنه حنیفه را  
 که مادر محمد صلی الله علیه و سلم است با امیر المؤمنین صلی الله علیه و سلم  
 متولد شد **در آنجا** که زنی از یمنه فرزندی پیش رسول  
 صلی الله علیه و سلم آورد که بر سر وی ریش بود رسول صلی الله علیه و سلم  
 و عثمان مبارک خضر سر آن انداختند آن ریش نیک شد و در نسل  
 آن کودک سرگزین شد و همان زن بصری دیگر را به این

پیش میله کند اب برد آب دهان مبارک خود بر سر وی انداخت  
 سر او گل شد و در نسل وی بماند **در آنجا** که چون ابو ذر غفاری  
 رضی الله عنه که در عهد امیر المؤمنین عثمان رضی الله عنه از مدینه  
 بیرون آمد بود در رنده اقامت کرده بهمازنده بر موت مشرف  
 شد خاتون وی ام ذر رضی الله عنها بسیار میکشید ابو ذر رضی  
 عنه گفت چرا میکشی گفت چون نکرم که وفات تو نزدیک است  
 و جنان کر با من حاضر نیست که بکفن تو و فاکند ابو ذر رضی الله عنه  
 گفت غم مخور که روزی در حضرت رسول صلی الله علیه و سلم  
 نشسته بودم فرمود که یکی از شما در میان وفات یا به جماعت  
 از اهل اسلام در وقت وفات وی حاضر نشود و از آن جماعت  
 کسی که نسبت بوی این واقع شود غیر از من نمانده است بر خیز  
 بر تل برای و به طرفی نظر کن که چنانکه رسول صلی الله علیه و سلم فرموده است  
 جماعتی پیدا خواهد شد ام در گفت موسم آمدند صاحبان که گفته  
 آمد آن میت که کسی پیدا شود و دیگر مالعه کرد که بر سر او بر تل برای  
 چون ام در میان تل بر آید دیگر جماعتی شتر سواران پیدا شدند و

بسیار است